



Research Article

A Survey of the Effect of Spirituality on the Professional Empowerment of Teachers¹

Hamidreza Mashhadi

Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Qazvin, Iran (**Corresponding Author**). h.r.mashhadi@cfu.ac.ir

Mehdi Mohammadzadeh Bani Tarfi

Assistant Professor, Department of Islamic Theology, Farhangian University, Qazvin, Iran. Teachers m.mohamadzadeh@cfu.ac.ir

Qasem Mohammadzadeh

level 4, Qom seminary, Qom, Iran. gh.gmb11@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to survey the effect of spirituality on the professional empowerment of teachers. The method of study is analytic-inferential and it relies on the hypothesis that teachers should put spirituality as the role model in their scientific and educational orientations. The results showed that the spiritual orientations of teachers in education is a prerequisite for the appropriate improvement in education. Contrary to secular and western ideology that tries to distinct religion and spirituality from education and rationality and thereby train teachers and students in a secular atmosphere free from religiosity, Islam has presented an accurate definition for the educational orientations of teachers who are responsible for training the students at school. Islam has beautifully interrelated rationality, education, and spirituality in its orientations and it even believes that the prerequisite for the teachers' success in education and teaching is their spirituality and good relationship with God Almighty.

Keywords: Spirituality, Professional Empowerment, Teacher, Students, Education.

1. **Received:** 2021/01/14 ; **Accepted:** 2021/07/11

Copyright © the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>





بررسی تأثیر معنویت بر توانمندسازی حرفه‌ای معلمان^۱

حمیدرضا مشهدی

استادیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، قزوین، ایران (نویسنده مسئول).
h.r.mashhadi@cfu.ac.ir

مهدی محمدزاده بنی‌طرفی

استادیار، گروه معارف اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، قزوین، ایران.
m.mohamadzadeh@cfu.ac.ir

قاسم محمدزاده

سطح چهار حوزه علمیه، قم، ایران. gh.gmb11@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر معنویت در توانمندسازی معلمان می‌باشد. روش پژوهش تحلیلی-استنتاجی بوده و بر این فرضیه استوار است که معلمان در خصوص جهت‌گیری‌های علمی و آموزشی خود می‌بایستی معنویت را سرلوحه کار خود قرار دهند. نتایج نشان داد که جهت‌گیری‌های معنوی معلمان در آموزش، لازمه پیشبرد صحیح در تربیت افراد است. برخلاف تصورات سکولاری و غرب‌گرایی که در آن کوشش نموده‌اند بین دین، معنویت و آموزش و عقلانیت فاصله بیاندازند و همواره معلمان و دانش‌آموزان را در فضایی سکولاری و فارغ از دیانت تربیت نمایند، اسلام تعریفی دقیق در جهت‌گیری‌های آموزشی برای معلمان که مسئولیت تربیت دانش‌آموزان را در مدرسه برعهده دارند، ارائه نموده است. در این جهت‌گیری‌ها به زیبایی میان عقلانیت، آموزش و معنویت ارتباط برقرار کرده و تا به جایی پیش رفته که معتقد است لازمه موفقیت معلمان در آموزش و تدریس، داشتن معنویت و ارتباط خوب با خداوند متعال می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: معنویت، توانمندی حرفه‌ای، معلم، دانش‌آموزان، تربیت.

۱. مقدمه

با مروری ساده در جوامع انسانی به ویژه جهان اسلام می‌توان دریافت که انسان همواره در جهت رشد و تقویت آموزش و تربیت افراد جامعه خود پرداخته و تلاش کرده است تا بتواند در پرتو آن تلاش‌ها، آسایش جسمی و آرامش روانی جامعه خود را تأمین نماید، اما علی‌رغم موفقیت‌های نسبی در تأمین آسایش جسمی و مادی، انسان همچنان در حسرت آرامش معنوی و روانی جامعه خود روزگار سر می‌کند. با نگاهی سطحی و گذرا، به خوبی می‌توان دریافت که برخورداری از اسباب تکنولوژی و علم به تنهایی، تاکنون نتوانسته روح و روان پر تلاطم انسان امروزی را آرام کند و حقیقت گمشده‌ای را که قرن‌ها با خود به همراه دارد را در اختیارش قرار دهد. در واقع معنویت واقعی، گمشده‌ای است که جوامع مدرن انسانی از کمبود و نبود آن رنج می‌برند.

بی‌تردید معنویت در همه اقصای و اعصار و برای همه انسان‌ها، دارویی است که امروزه نه تنها اندیشمندان و نخبگان جامعه، بلکه توده مردم نیز بر اثربخشی و شفاف‌بخشی آن اتفاق نظر دارند. لذا، با توجه به اهمیت و حساسیت شغلی معلمان، نیاز به معنویت جهت پیشبرد صحیح و درست اهداف تربیتی و آموزشی دانش‌آموزان بیشتر از سایر شغل‌ها احساس می‌شود. همان‌طوری که مقام معظم رهبری فرمودند: «معلمان افسران پیشرفت کشور هستند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹). موتور پیشران کشور به‌دست معلم است. از این‌رو، دین مبین اسلام توجه خاصی نسبت به معلم و آموزش دارد. قرآن کریم، برای معلمان، نقش کار خدایی قائل شده است، سوره علق، نخستین سوره‌ای است که بر پیامبر گرامی اسلام (ص) نازل شده و به این نقش مهم اشاره دارد: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق، ۱-۵). در این سوره، تعلیم و آموزش برای خداوند متعال آمده است، یعنی همان کاری که معلمان انجام می‌دهند. علاوه بر این، نقش معلم در جامعه، نقش پیامبران الهی است، لذا، امام خمینی فرمودند: «معلمی شغل انبیاء است» (امام خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۲۹۱)، یعنی معلمان با الگوگیری از رسولان و انبیای الهی، به پرورش و آموزش افراد جامعه می‌پردازند.

بنابراین، یکی از وظایف جامعه نخبگانی، شناسایی عواملی است که بتواند روند کاری در حرفه معلمی را بهبود بخشد. کیفیت زندگی کاری آنان، با معنویت بیشتر می‌تواند عملکرد بهتر و مطلوب‌تری را ایجاد نماید. لذا، با توجه به نقش الگو بودن معلمان در فرایند آموزش برای دانش‌آموزان و سرلوحه قرار گرفتن رفتار آنان، می‌توان گفت مهم‌ترین و با ارزش‌ترین ویژگی معلمان، معنویت در کار است که تأثیر ژرفی بر گفتار و رفتار دانش‌آموزان می‌گذارد.

پژوهش در این نظریه و کنکاش در این خصوص که نقش معنویت در توانمندسازی معلمان چه میزان است، می‌تواند به خوبی میزان اثربخشی آن را نمایان کند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تدوین طرح تشکیل دولت و جامعه اسلامی از طرف مقام معظم رهبری، این دغدغه در نگارندگان پژوهش حاضر بوجود آمد که معنویت می‌تواند چه تاثیری در حرفه معلمان بگذارد و چه نقشی را ایفا بکند تا بتوان با تکیه بر آن یک دولت و جامعه اسلامی را بوجود آورد.

در این راستا، هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر معنویت بر حرفه معلمی و ارائه راهکارهایی برای افزایش این تاثیر می‌باشد. روش پژوهش نیز توصیفی - تحلیلی است. امروزه فایده مطالعه تطبیقی، بر هیچ پژوهشگری پوشیده نیست و آگاهی یافتن از آنچه در جهان می‌گذرد، امری ضروری می‌باشد. بنابراین، بایسته است شیوه‌های رایج آموزش در دنیا را ارزیابی و شیوه آموزش صحیح را با کاربست معیارهای انسانی اسلامی مشخص کرد. لذا، مناسب است در ابتدا به تبیین مفاهیم مسئله پژوهش به روش توصیفی اقدام نمود و سپس با روش تحلیلی به نفی و اثبات مشروعیت آنها پرداخت.

۲. معنویت

برای فهم صحیح واژه معنویت لازم است ابتدا معنای لغوی و اصطلاحی آن مورد بررسی قرار گیرد، اما تعریف معنویت، یکی از دشوارترین تعاریف می‌باشد، چرا که این اصطلاح طی چند دهه گذشته به شکل بسیار مبهمی به کار رفته است. کلمه معنویت و مشتقات آن در قرآن و روایات معصومین (ع) عمدتاً به کار نرفته، ولی در ادبیات محاوره‌ای مسلمانان، هم در زبان عربی و هم در زبان فارسی رواج زیادی یافته است. ابن منظور در لسان العرب می‌نویسد: «کلمه معنویت، از مصدر جعلی «معنوی» است. کلمه معنوی نیز با افزودن یای نسبت به آن، از واژه «معنی» که خود مصدر میمی بوده و مفاد آن مقصود و مراد می‌باشد، مشتق شده است. بنابراین، معنوی، منسوب به معنی و حقیقت و در مقابل لفظی و ظاهری می‌باشد» (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ج ۱۱، ص ۶۱). چنان که دهخدا مقامات «معنوی» را مراتب سیر باطنی، درجات سلوک به سوی حق و مقامات عرفانی می‌داند (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳۰). در تعریف معنویت برخی تعاریف دیگری را برای معنویت عنوان کرده‌اند: معنویت عنوان عامی است که در دل خود می‌تواند دربرگیرنده موضوعات و مفاهیمی مانند: روح، روان، دین، ایمان، عبادت و... باشد (اکبری لاکه و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۱۶). شولتز^۱ تعریف معنویت را بسیار سخت و غیرممکن

می‌داند. ایشان معتقد است که الفاظ و کلمات دنیا قاصر از آن هستند که بتوانند معنویت را معنا کنند، چرا که جایگاه اصلی معنویت، دنیا و عالم ماده نیست (شولتز، ۱۳۹۹، ص ۱۵۸). وولف^۱ معتقد است که در معنویت امروز آنچه آشکارا جدید می‌باشد، غیاب مکرر و روشن وجودی متعالی در بیرون از «خود» است. در معنویت جدید، زندگی دیگر نه در ارتباط با خواست روح القدس یا دیگر نیروهای الهی، بلکه با ارجاع به امکانات روح آدمی و با نگرش انسان‌گرایانه تنظیم می‌شود (وولف، ۱۳۸۶، ص ۴۰). برخی دیگر معنویت را مبنای اصلی وجود انسان می‌دانند و آدمیت انسان را تنها با وجود معنویت معنا می‌کنند و اساساً هدف و جهت اصلی به زندگی را معنویت می‌دهد. معنویت فراتر از دنیا را به انسان می‌نمایاند (میهن، ۲۰۰۲، ص ۲۲). تروسدال^۲ دو نوع رویکرد مبنایی جستجوی خدا یا خدامحوری و راه طبیعی ارتباط با جهان را برای معنویت در نظر می‌گیرد (تروسدال، ۲۰۰۴، ص ۱۲۳). ساندرز^۳ می‌گوید: «معنویت فراتر از مذهب و هر موضوعی که مستقیماً با روح انسان سازگاری دارد، مرتبط می‌باشد، لذا، این ارتباط بین معنویت و انسان صرفاً به مذهب و دین بر نمی‌گردد و هر چیزی که با زندگی روحانی انسان ارتباط دارد را شامل می‌شود» (ساندرز، ۲۰۰۷، ص ۹۳). تیسدل و تولیور^۴ معتقدند که بین معنویت و دین تفاوت وجود دارد و معنویت را مسیری به سمت تمامیت می‌دانند که در همه ادیان الهی وجود دارد (تیسدل و تولیور، ۲۰۰۶، ص ۳۸). از نظر هیلز^۵ (۲۰۰۱) معنویت تلاشی در جهت حساسیت نسبت به خویشتن، دیگران، موجودات غیرانسانی و نیروی برتر می‌باشد، یا کاوشی در جهت آنچه برای انسان شدن مورد نیاز است، می‌باشد (عابدی جعفری و رستگار، ۱۳۸۶، ص ۱۰۵).

لذا، در جمع‌بندی تعریف معنویت این نکته حائز اهمیت است که معنویت، انسانی را تصور می‌کند که در عین حال هم روح است، هم نفس و هم بدن، و نه فقط ذهن و بدن؛ اما معنویت دکارتی^۶، جهان را نیز واقعی تصور می‌کند که تنها «بدنی» دارد که می‌توانیم آن را مشاهده کنیم و درباره‌اش مطالعه کنیم.

1. Woolf
2. Truesdale
3. Sanders
4. Tisdall, Toliver
5. Hills
6. Descartes

۳. معنویت، حلقه مفقوده جهان بشریت

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و احیاء اسلام ناب محمدی (ص) و با شعار صدور انقلاب به سرتاسر دنیا، حاکمان و سردمداران غرب و شرق، با حمایت کشورهای مرتجع منطقه و برخی از حامیان اروپایی با دیدن اسلام ناب محمدی (ص) و ترس از ایجاد تمدن جدید اسلامی، به رویارویی با انقلاب اسلامی پرداختند. این رویارویی را که در واقع می‌توان تقابل بین معنویت‌ها نام‌گذاری کرد، به مقابله و رویارویی با معنویت واقعی برآمده است، چرا که منافع خود را در خطر می‌دیدند. آنها در حقیقت با درک واقعی به این نتیجه رسیدند که اگر جلوی معنویت واقعی را نگیرند، به زودی معنویت واقعی، جهانی می‌شود، چرا که فطرت همه انسان‌ها براساس آیات قرآن مشترک است و همه انسان‌ها را به خود جذب و جلب می‌کند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تحمیل هشت سال جنگ تحمیلی، در کمال ناباوری، تصور غرب و شرق و اروپاییان این بود که شجره طیبه انقلاب اسلامی در کم‌تر از یک هفته پس از شروع جنگ تحمیلی شکست خواهد خورد، اما غرب و شرق در برابر معنویت واقعی، شکستی مفتضحانه را متحمل شد و این تقابل و رویارویی با معنویت واقعی، آغازش با جنگ نظامی و با تحریم و به تحریف بردن معنویت واقعی توسط معنویت غیر واقعی ادامه پیدا کرد.

یکی از حرب‌های دشمن برای تقابل با معنویت واقعی، جنگ و تقابل نظامی است تا از طریق معنویت غیر واقعی به معنویت حقیقی و واقعی ضربه بزنند، مانند داعش که با نمایان نمودن یک معنویت خشن و غیر واقعی برای مخدوش کردن معنویت واقعی و اسلامی بوجود آمده است. لذا، نیاز به معنویت در تمامی سنوات قرن اخیر از بعد از رنسانس در جوامع بشری نمود واقعی پیدا کرده است، معنویتی که سردمداران غربی و اروپایی برای اقناع مردم خود به جعل معنویت غیر واقعی پرداخته‌اند. با یک سیر ساده در اتفاقات یک قرن اخیر، به سادگی می‌توان دریافت که بشر امروز، بعد از رنسانس به یک تحول بزرگ روی آورده و آن معنویت است.

۴. توانمندسازی

فرهنگ انگلیسی آکسفورد^۱ کلمه توانمندسازی^۲ را این‌چنین تعریف کرده است: اعطای قدرت یا

1. Oxford

2. Empower

اختیار به کسی، تا بتواند چیزی را انجام دهد و یا ایجاد این احساس در فرد، تا او بتواند کارهای بیشتری را انجام دهد. در سال‌های اخیر کاربرد این واژه در سازمان‌ها گسترش یافته است، به طوری که بسیاری از نویسندگان، از آن به عنوان داروی شفابخش و شعار رایج مدیریتی در اوایل سال‌های ۱۹۹۰ یاد می‌کنند. شاکلتون^۱ (۱۹۹۵) توانمندی را به عنوان «فلسفه دادن اختیار تصمیم‌گیری و پاسخگویی بیشتر به افراد زیردست در سازمان» تعریف کرده است (گرین و مکاندرو، ۱۹۹۹، ص ۲۵۹).

توانمندسازی به فرایندی اطلاق می‌شود که طی آن مدیر به کارکنان کمک می‌کند تا توانایی الزام برای تصمیم‌گیری مستقل را به دست آورند. این فرایند نه تنها در عملکرد افراد، بلکه در شخصیت آنان نیز مؤثر است. مهم‌ترین مفهوم توانمندسازی، تفویض اختیار به پایین‌ترین سطوح سازمان است. فرایند تصمیم‌گیری باید از درجه بالایی عدم تمرکز برخوردار باشد و افراد یا گروه‌های کاری نیز باید مسئول یک قسمت کامل از فرایندهای کاری باشند (لاور^۲، ۱۹۹۴).

۵. انسان معنوی

انسان معنوی همیشه درصدد شناخت خود است، همان‌گونه که در متون دینی اسلام بر معرفت و شناخت انسان تاکید می‌ورزند و می‌فرمایند: «من عرف نفسه فقد عرف ربه» (آمدی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۵۸۸) و «أنفع المعارف معرفة النفس» (همان، ص ۷۱۲)، «ولا تكونوا كالذين نسوا الله فانساهم انفسهم اولئك هم الفاسقون» (حشر، ۱۹).

انسان معنوی به وجود انضمامی خود توجه بیشتری دارد تا وجود انتزاعی. قرآن نیز همیشه انسان را به نفس، یعنی وجود انضمامی‌اش هشدار داده و می‌فرماید: «يا ايها الذين آمنوا عليكم انفسكم» (مانده، ۱۰۵).

انسان معنوی با علم حضوری و وجدانی و خودکاوی، نفس انضمامی خود را می‌شناسد، نه آنگونه که دیگران می‌شناسند و یا تصور می‌کند که دیگران چگونه می‌شناسند.

انسان معنوی، با نفس انضمامی - که خود نسبت به آن علم حضوری دارد - زندگی می‌کند، نه آن‌گونه که دیگران او را می‌شناسند و توصیف می‌کنند.

انسان معنوی با بهره‌گیری از دین آسمانی و فطرت خدادادی، به مراتب طولی هستی اعتقاد دارد و

1. Shackleton

2. Lauer

جهان‌شناسی جامع‌نگر را بر جهان‌شناسی گزینش‌گر ترجیح می‌دهد و دنیا را به همراه آخرت می‌نگرد و منافع اخروی آخرت را بر لذت‌های دنیوی مقدم می‌دارد.

انسان معنوی، با من انضمامی‌اش به ساحت‌های وجودی خود آگاهی می‌یابد و دردها و رنج‌ها و لذت‌ها و قوت‌ها، ضعف‌ها و استعدادها و فعلیت‌های خود را بهتر از دیگران می‌شناسد. انسان معنوی، آنگونه که واقعیت دارد، خود را می‌نمایاند و از ظاهر و باطن یکسانی برخوردار است و از نفاق دوری می‌گزیند. همان‌گونه که قرآن برای نفس، مراتبی چون نفس اماره و نفس لوامه و نفس مطمئنه معرفی کرده و می‌فرماید: «و ما ابرئ نفسی ان النفس لا ماره بالسوء الا ما رحم ربی ان ربی غفور رحیم» (یوسف، ۵۳)، «ولا اقسام بالنفس اللوامه» (قیامت، ۲)، «یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه» (فجر، ۲۷)، انسان معنوی نیز مراتب طولی و من‌های متوالی برای خود قایل است.

۶. جایگاه معلم در قرآن و روایات

با توجه به اهمیت علم و دانش در دنیای اسلام، آموزش‌دهندگان این علم و دانش نیز به همان میزان اهمیت و ارزش پیدا می‌کنند. لذا، از نظر اسلام، علم مهم‌ترین سرمایه بشر است، بدون هیچ محدودیتی و هیچ‌گونه حد و مرزی، ولو آن علم در یک مکان دوری باشد، در طلبش باید دوید، «اطْلُبُ الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۷۷، ح ۵۵) و این طلب از گهواره تا گور ادامه دارد. «اطْلُبُ الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ» (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۱۲۶؛ طباطبائی، ۱۳۸۴، ج ۱۳، ص ۳۱۴).

لذا، امیرمؤمنان علی(ع)، جهل را ریشه «الْجَهْلُ أَصْلُ كُلِّ شَرٍّ» (آمدی، ۱۳۸۴، ج ۱، ح ۱۰۹۶) و معدن هر بدی می‌داند: «الْجَهْلُ مَعْدِنُ الشَّرِّ» (همان، ح ۱۰۹۳) و نادانی را دردناک‌ترین دردها برمی‌شمرد: «الْجَهْلُ أَدْوَأُ الدَّاءِ» (همان، ح ۱۰۹۵) که نشان می‌دهد اسلام برای تعلیم و آگاهی‌بخشی مردم اهمیت ویژه‌ای قائل است (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۲۱۸). آیات و روایات زیادی وجود دارد که ارزش کار معلمی را روشن می‌کند و بحث گسترده‌ای درباره حقوق معلمان بر شاگردان یا بر جامعه اسلامی ارائه شده است. لذا، خداوند خود را در قرآن کریم به عنوان اولین معلم معرفی می‌کند، «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره، ۳۱)، «و خدا همه نام‌ها [ی موجودات] را به آدم آموخت» و یا در جایی دیگر می‌فرماید: «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق، ۵)، «و به انسان آنچه را نمی‌دانست، یاد داد!». در سوره علق می‌فرماید: «الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» (علق، ۴)، «آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت». در جایی دیگر می‌فرماید: «الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (الرحمن، ۱-۳). بر این

اساس خداوند متعال هم معلّم بیان است و هم معلّم قلم، و هم معلّم اموری که انسان از آن آگاهی ندارد، پس خداوند وقتی می‌خواهد خود را معرفی کند، خود را معلم معرفی می‌نماید. این جایگاه معلم و ارزش معلمی است که خداوند خود را در قرآن اینگونه معرفی می‌نماید. یا داستان تعلیم حضرت موسی(ع) از حضرت خضر نبی(ع) که در آن ماجرا حضرت خضر نبی(ع) به عنوان معلم در آن ماجرا توسط قرآن معرفی می‌شود که حضرت موسی(ع) در مسیر تربیت نفس و سیر الی‌الله از معلم خود حضرت خضر(ع) آموزش می‌بیند. این داستان بسیار زیبا و پر محتوا، در سوره کهف بیان شده است.

در مجموع این ماجرا به خوبی نشان می‌دهد که پیدا کردن معلمی آگاه و معنوی و بهره‌گیری از علم و اخلاق او تا آن حد اهمیت دارد که پیامبر اولوالعزمی همچون موسی مأمور می‌شود که راه دور و درازی را برای حضور در محضر او، و اقتباس از چراغ پر فروغش بی‌ماید (کهف، ۶۵) و یا آیات متعددی که خداوند در قرآن کریم در خصوص جایگاه و ارزش معلمی بیان می‌نماید، مثلاً هدف از بعثت انبیاء را تعلیم و معلمی می‌داند «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» (سوره، ۲)، «و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد».

با بیان این آیات، به زیبایی جایگاه و ارزش معلم در قرآن کریم مشخص شده و معلمی در دنیای اسلام از ارزش و جایگاهی بالا برخوردار است. لذا، در اینجا لازم است چند روایت در مقام و شخصیت معلم و جایگاه رفیع و ارزشمندش ارائه شود.

پیامبر گرامی اسلام(ص) می‌فرماید: وقتی معلمی به کودکی «بسم الله الرحمن الرحيم» را یاد بدهد و او تکرار کند، خداوند چهار برات آزادی از دوزخ را برای معلم و متعلم و پدر و مادر معلم می‌نویسد: «إِذَا قَالَ الْمُعَلِّمُ لِلصَّبِيِّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (وَقَالَ الصَّبِيُّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ) كَتَبَ اللَّهُ بَرَاءَةً لِلصَّبِيِّ وَبَرَاءَةً لِأَبَوَيْهِ وَبَرَاءَةً لِلْمُعَلِّمِ»، «هنگامی که معلم به کودک بگوید: بسم الله الرحمن الرحيم (و او تکرار کند)، خداوند فرمان آزادی از دوزخ را برای کودک و پدر و مادرش و معلم می‌نویسد» (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۳، ح ۳۲).

همچنین پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «ثَلَاثَةٌ لَا يَسْتَحْفُ بِحَقِّهِمْ إِلَّا مُنَافِقٌ بَيْنَ النَّفَاقِ: ذُو الشَّيْبَةِ فِي الْإِسْلَامِ وَ الْإِمَامُ الْمُقْسِطُ وَ مُعَلِّمُ الْخَيْرِ»، «سه گروه هستند که حق آنها را فقط منافقان واضح النفاق کوچک می‌شمرند: کسی که عمری را در اسلام گذرانده، پیشوای عادل و کسی که نیکی را آموزش می‌دهد» (محمّدی ری شهری، ۱۳۷۵، ج ۶، ح ۱۳۸۹۶).

در حدیث دیگری از رسول خدا(ص) آمده است: «إِلَّا أَخْبِرْكُمْ بِأَجْرِ الْإِجْرِدِ؟ اللَّهُ الْإِجْرِدُ الْإِجْرِدُ! وَ

أَنَا أَجُودُ وُلْدِ آدَمَ! وَ أَجُودُكُمْ مِنْ بَعْدِي رَجُلٌ عَلِمَ عِلْمًا فَشَرَّ عِلْمَهُ يُبْعَثُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أُمَّةً وَحَدًا! (آیا به شما خبر دهم که بخشنده‌ترین بخشنده‌ها کیست؟ بخشنده‌ترین بخشنده‌ها خداست، و من بخشنده‌ترین فرزندان آدم هستم و بعد از من از همه شما بخشنده‌تر کسی است که علم و دانشی را فراگیرد، و آن را نشر دهد و به دیگران بیاموزد، چنین کسی روز قیامت به تنهایی، به صورت امتی برانگیخته خواهد شد) (محممدی ری شهری، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۴۷۴).

در روایات اسلامی مقام معلم آنقدر بالاست که خدا و فرشتگان و همه موجودات، حتی مورچه در لانه خود و ماهیان در دریاها بر کسی که به مردم نیکی تعلیم کند، درود می‌فرستند، چنانکه در حدیثی از رسول خدا (ص) آمده است: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ حَتَّى النَّمْلَةِ فِي حُجْرِهَا وَ حَتَّى الْحُوتِ فِي الْبَحْرِ يُصَلُّونَ عَلَيَّ مُعَلِّمِ النَّاسِ الْخَيْرِ» (متفی هندی، ۱۴۰۱ق، ج ۱۱، ح ۲۸۷۳۶). مانند این روایات در کتاب‌های روانی در بیان فضیلت و جایگاه معلمی فراوان است که جهت اختصار از بیان آنها خودداری شده است.

۷. آثار و کارکردهای معنویت در حرفه معلمی

۷-۱. خودسازی

یکی از آثار نهادینه کردن و تقویت معنویت در معلمان، خودسازی است. خودسازی جزء مولفه‌هایی است که هم در زندگی روزمره معلمان اثر می‌گذارد و هم در مکان آموزش تاثیر بسزایی دارد. خودسازی، در واقع یک نتیجه از شاخص‌ها و مولفه‌هایی است که اگر دقیق و به نحو احسن و با یک برنامه‌ریزی مدون و مداوم انجام بگیرد، اتفاق می‌افتد. خودسازی، در جایی اتفاق می‌افتد که برنامه‌ریزی دقیق الهی صورت بگیرد. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: «کسی که در مقام هدایت و آموزش قرار می‌گیرد، باید پیش از آموختن به دیگران، خود را پالایش روحی کند و ادب رفتاری‌اش بیش از ادب گفتاری‌اش باشد» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۶، ص ۱۵۰). از میان تمامی عوامل آموزشی و تربیتی، نقش معلم به‌عنوان مهم‌ترین عامل نظام تعلیم و تربیت، جایگاه و اهمیت بسزایی دارد. معلم در رشد و پرورش دانش‌آموزان، نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. تمامی فعالیت‌های معلم، مانند شناخت فرآیند رشد کودکان و نوجوانان، شیوه‌های تدریس و علاقه‌مندی به رشته تدریس، خود از عواملی هستند که در آموزش و پرورش دانش‌آموزان، دخالت زیادی دارند. کودک با پذیرش رفتارهای معلم به عنوان الگو و سرمشق، هویت اجتماعی متزلزل خویش را استحکام می‌بخشد. اگر شخصیت معلم دارای صفات انسانی از قبیل مهرورزی، نوع‌دوستی، درستکاری، همکاری، خویشتن‌داری و ایمان باشد، طبعاً تقلید چنین ویژگی‌هایی، سلامت روانی کودک را تضمین خواهد کرد.

ولی اگر شخصیت معلم دچار اختلال و نابسامانی باشد، یعنی رفتارهایی خلاف هنجارهای فرهنگی و اجتماعی از او سرزند یا فاقد صفات انسانی باشد، در چنین وضعی همانندسازی کودک با معلم، حاصلی جز رفتارهای نابهنجار و اختلالات نخواهد داشت. بنابراین، معلم به عنوان الگوی در دسترس دانش‌آموز، نقش بسیار حساسی در رفتار او دارد. این برای آغاز کار است، برای تداوم کار نیز رفتار معلم و تذکرات او به دانش‌آموز مفید می‌باشد.

چرا که پایداری و ثبات و قوام جامعه بر تربیت استوار شده و مسئول و رکن تعلیم و تربیت در جامعه، معلمان بوده و تاثیر مستقیمی بر کردار متربی و دانش‌آموزان دارند. به همین دلیل خودسازی و پرداختن به شخصیت معلم اهمیت و ضرورت مسئله را دوچندان می‌کند.

لذا، یکی از آثار معنویت در معلمان، خودسازی است که باعث می‌شود که معلم خودساخته شود و در رفتار خود با خانواده، اجتماع پیرامون خود و مدرسه تاثیر شگرفی بگذارد. بارها و بارها دیده شده که معلمانی با از خودگذشتگی، با تحمل سختی‌های فراوان و حتی برخی در این راه مقدس جان خود را فدا کرده‌اند تا بتوانند به دانش‌آموزان تربیت و تعلیم را یاد دهند. این روحیه وقتی محقق می‌شود که یک انسان توانسته باشد در یک برنامه‌ریزی دقیق، شخصیت خود را تربیت و در واقع خودسازی کرده باشد.

۷-۲. تفکر معنوی در حرفه معلمی

تفکر معنوی همراه با عبودیت و بندگی خدا در طول چهل سال انقلاب اسلامی در همه بحران‌ها و گرفتاری‌ها توانسته است انقلاب اسلامی ایران را از چالش‌ها و بحران‌های پیش آمده عبور دهد و آن را هدایت کند. وجود این نوع تفکر اسلامی بر همگان این موضوع را آشکار ساخته است که تنها راه نجات بشریت تمسک به معنویت واقعی و ایجاد تفکر الهی است. انسان‌هایی که دارای تفکر معنوی هستند، عالم خلقت را مخلوق خداوند می‌دانند که قدرت بی‌انتهای و مطلق عالم هستی است و سعی می‌کنند در راه قرب و نزدیکی به خداوند متعال قدم بردارند. اصولاً این دسته از انسان‌ها کاری را تنها انجام می‌دهند که آنها را به خدا نزدیک می‌کند و تنها رضای خدا برای این دسته از افراد ملاک است و کارهایی که صرفاً مال، ثروت، دنیا و رسیدن به قدرت و مقام و یا کسب شهرت باشد را انجام نمی‌دهند. لذا، این دسته، دنیا را مکانی موقتی و گذرا می‌بینند و اعتقاد به این موضوع دارند که بدست آوردن فضائل اخلاقی و رضایت خداوند متعال مهم است. بر این اساس تمام تمرکز این گروه بر اساس خودسازی و مبارزه با خواهش‌های نفسانی استوار است. تفکر معنوی به دنبال اصلاح جامعه بعد از اصلاح خود بوده و همه توان خود را جهت اصلاح و تربیت انسان‌ها می‌گذارد. مولفه‌ها و شاخص‌هایی که عنوان شد، اگر در

انسان محقق شوند، باعث می‌شود که انسان به این مقام و قرب برسد و تفکر معلمان مملو از معنویت شده و باعث می‌شود هم در امر آموزش و هم در امر تربیت، تاثیر عجیب و قابل توجهی بر دانش‌آموزان بگذارد.

بدون شک نیروی انسانی، به ویژه معلمان از مهم‌ترین عناصر سازنده محیط‌های آموزشی و مهم‌ترین عامل برای ایجاد موقعیت مطلوب در تحقق هدف‌های آموزشی است. نقش معلم و روش تدریس او در فرایند اجرای تدریس، مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر فرایند یادگیری دانش‌آموزان در نظر گرفته می‌شود (کردافشاری، ۱۳۹۱، ص ۱۱۹). این نکته نیز حائز اهمیت است که در تدریس معلم، تنها تجارب و دیدگاه‌های علمی او نیست که مؤثر واقع می‌شود، بلکه کل شخصیت (فیزیکی، روانشناختی، رفتاری و...) اوست که در ایجاد شرایط یادگیری و تغییر و تحول شاگردان تأثیر می‌گذارد. با این توصیف، ویژگی روانشناختی و رویکرد تفکرات معنوی در حرفه معلمی می‌تواند تاثیری شگرف در کیفیت تدریس و چگونگی آموزش‌های دانش‌آموزان بگذارد. توجه به آموزه‌های دینی و ارزش‌های معنوی کار از عوامل بسیار مهم توسعه کار و افزایش کارآمدی در جامعه است. هر قدر تلاش و کار با انگیزه معنوی درآمیزد و رنگ الهی به خود گیرد، موجب احیای این فرهنگ غنی خواهد شد. بر این اساس، اگر آموزه‌های دینی درباره کار و تلاش مفید و منظم به جامعه وارد شود، بی‌شک جامعه به صورت طبیعی آنها را در نقش «هنجار» و «ارزش» می‌پذیرد، زیرا هنجاری که از نظر جامعه اسوه نجات در تمام ابعاد حیات فردی، اجتماعی، دنیوی و اخروی باشد، الگو و مقیاس رفتاری قرار خواهد گرفت. اسلام دیدگاه ارزشمندی درباره کار دارد. در واقع، کار از قداست و محبوبیت زیادی برخوردار است. انسان باید به کار خود رنگ و بوی خدایی بدهد تا موفق شود. در تعالیم روایی اسلام آمده است که: «سخت‌کوشی و تلاش، همانند جهاد در راه خداوند است. انسان باید به کار خود رنگ و بوی خدایی بدهد تا کارش معنوی شود و به اهداف متعالی خویش نایل آید (وزیری و زارعی متین، ۱۳۹۰). خداوند متعال می‌فرماید: «هر کاری که رنگ خدایی یابد و خالص باشد، جاودانه است، مانند قطره آبی که به دریا وصل شود که دیگر قطره نیست، بلکه دریاست (رعد، ۶۷). بنابراین، در نظر گرفتن معنویت در امر تدریس می‌تواند نقش ویژگی شخصیتی ارتباط شخص را با خود، دیگران، خدا و به خصوص پرورش خودآگاهی فرد را تسهیل کند. با تکیه بر اعتقادات فرد، آگاهی و احساس ارتباط با خدا و حضور خدا را تسهیل و ارتقاء می‌دهد (ابراهیم‌پور، حسین‌نژاد، نعمتی و تقی‌پور، ۱۳۹۴، ص ۷).

معنویت زیربنای باورهای معلم و نقشی است که این باورها و ارزش‌ها در کنش‌هایی که او انجام

داده و به زندگی خود شکل می‌دهد، به شمار می‌آید (کدخدایی و جهانی، ۱۳۸۹) و در معلم احساسی پدید می‌آورد که وی خود را مسئول، فعال، فردی خالق برای کنش‌های خود و دریافت آن می‌بیند (صمدی، ۱۳۸۵، ص ۹۹). همچنین نقشی اساسی در زمینه‌های گوناگون به ویژه در ارتقاء و بهبود مؤلفه‌های روانشناختی مانند خودکارآمدی معلمان دارد (مرعشی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۶۳).

۷-۳. تدریس با رویکرد معنوی

اگر معلمان مولفه‌های تربیت معنوی را رعایت کنند و دائم در خودسازی و پرداختن به شخصیت خود باشند، بر شیوه تدریس و ارتباطشان با دانش‌آموزان تاثیر مستقیم می‌گذارد. بدین صورت که اولاً باعث می‌شود به دانش‌آموزان شخصیت بدهد و با رفتاری صحیح در حین تدریس با آنها برخورد کند، ثانیاً عدالت در رفتار و تدریس را با دانش‌آموزان ملاک برخورد خود قرار می‌دهد و تدریس و کلاس از نشاط و شادابی خاصی برخوردار خواهد بود. میلر^۱ در این باره معتقد است که علاوه بر سایر ویژگی‌های تدریس، معنویت مهم‌ترین جنبه برنامه درسی شمرده می‌شود (میلر، ۱۳۹۵، ص ۲۳۱-۲۳۹). همان‌گونه که گفته شد، در طیفی فراگیر از جهت‌گیری‌های برنامه درسی، از جهت‌گیری ماورای فردی و روحانی در برنامه درسی سخن به میان می‌آورد. وی با تأکید بر آموزش و پرورش و برنامه درسی کل‌نگر، در بین ابعاد گوناگون عقلانی، عاطفی، جسمی، اجتماعی و زیباشناسی، معنویت را مهم‌ترین جنبه برنامه درسی کل‌نگر به حساب می‌آورد که می‌تواند روح را وارد آموزش و پرورش کند و مدرسه و کلاس درس را پر انرژی، بامعنا، هدف‌مند و سرشار از عشق و محبت سازد، و نشاط و شادمانی را برای معلمان و دانش‌آموزان به ارمغان آورد (میلر، ۱۳۸۰، ص ۲).^۲

۸. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر معنویت بر توانمندسازی حرفه‌ای معلمان انجام شده است. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که معنویت در حرفه معلمان به طور مثبت و معناداری قدرت تأثیرگذاری قابل توجهی بر سبک‌های تدریسشان دارد. معلمان مهم‌ترین و اصلی‌ترین نقش را در نظام تعلیم و تربیت انسان‌ها و به ویژه دانش‌آموزان متکفل می‌شوند. معلم لازم است ابتدا ویژگی‌هایی را در

1. Miller

۲. به جز میلر، کسانی چون بوچانان (۲۰۰۹)، میهن (۲۰۰۲)، بایرز (۱۹۹۲)، گلازر (۱۹۹۹)، کسلر (۲۰۰۰)، لان تری (۲۰۰۱) و کوتینگ (۲۰۰۵) نیز از معنویت در آموزش و پرورش، برنامه درسی و کلاس درس سخن گفته‌اند.

خود ایجاد کند و رسالت مهم خود را به نحو احسن انجام دهد. یکی از مولفه‌های مهم در معلمان، وجود معنویت، عبودیت و بندگی خداست تا بتواند با این شاخصه، هم تاثیری خوب بر جامعه و هم بر دانش‌آموزان مدرسه بگذارد. برای رسیدن به این مقام لازم و ضروری است که معلمان ابتدا به مقوله خودسازی توجه ویژه داشته باشند تا بتوانند در یک سلامت روانی خوب و ایده‌آل به تدریس و تربیت دانش‌آموزان بپردازند. سپس می‌بایستی تفکر معنوی را سرلوحه تدریس خود قرار دهند تا در پرتو آن مولفه‌ها بتوانند در امر تدریس سعادت‌مند بیرون بیایند و مولفه سوم و موثر معنویت در حرفه معلمان داشتن رویکرد معنوی در امر تدریس می‌باشد و تاثیر قابل توجهی در ارتباط با دانش‌آموزان دارد. البته آسیب‌ها و موانعی بر سر راه معلمان است که دور از انتظار نیست و لازم است نسبت به شناسایی و رفع آنها تلاش شود.

— منابع —

۱. ابراهیم پور، حبیب؛ حسین نژاد، نادر؛ نعمتی، ولی؛ تقی پور، فریدون (۱۳۹۴). بررسی ارتباط هوش معنوی با رفتارهای نوآورانه معلمان. *روانشناسی مدرسه*، ۴(۱)، ص ۷-۲۱.
۲. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۴). *تفسیر المیزان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی. ج ۱۳.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی (۱۴۰۵ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر، ج ۱۱.
۴. اکبری لاکه، مریم و همکاران (۱۳۹۲). معنویت و تعالی معرفتی و رفتاری در آموزش عالی. *اخلاق پزشکی*، ۲۶، ص ۱۳۴-۱۱۵.
۵. آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۴). *شرح غررالحکم و دررالکلم*. تهران: انتشارات دانشگاه، ج ۱.
۶. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۵ق). *البرهان فی تفسیر القرآن*. قم: مؤسسه البعثة، مرکز الطباعة والنشر، ج ۱.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *وسائل الشیعه*. قم: تحقیق و نشر مؤسسه آل‌البتیت (ع) لإحياء التراث، ج ۱۶.
۸. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). *صحیفه نور*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۹.
۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۳۰.
۱۰. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴/۰۲/۱۲). *تحلیل رهبر انقلاب از میراث معرفتی شهید مطهری: مطهری‌خوانی، چرا و چگونه؟* قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/others-note?id=29570>
۱۱. شولتز، دوآن (۱۳۹۹). *روانشناسی کمال*. ترجمه گیتی خوشدل. تهران: پیکان.
۱۲. صمدی، پروین (۱۳۸۵). *هوش معنوی. اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۲(۳-۴)، ص ۹۹-۱۱۴.
۱۳. عابدی جعفری، حسن؛ رستگار، عباسعلی (۱۳۸۶). ظهور معنویت در سازمان‌ها. *علوم مدیریت*، ۲(۵).
۱۴. فیض کاشانی، محمدحسین بن شاه مرتضی (۱۴۰۶ق). *الوفی*. اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (ع)، ج ۱.
۱۵. کدخدایی، محمد؛ جهانی، حوریه (۱۳۸۹). *منطبق‌پذیری هوش معنوی در فرایند تصمیم‌گیری*. در: تبریز: سومین کنفرانس علمی خالقیت‌شناسی.
۱۶. کرد افشاری، فاطمه (۱۳۹۱). *بررسی درگیری تحصیلی دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان براساس ترجیح سبک تدریس آنان*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۷. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۰۱ق). *کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال*. محقق بکری حیانی، صفوة السقا. بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ پنجم، ج ۱.
۱۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء، ج ۱.
۱۹. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۵). *میزان الحکمه*. قم: دار الحدیث، ج ۶.
۲۰. مرعشی، سید علی و همکاران (۱۳۹۰). تأثیر آموزش هوش معنوی بر بهزیستی روانشناختی، اضطراب وجودی و هوش معنوی در دانشجویان نفت اهواز. *دستاوردهای روانشناختی (علوم تربیتی و روانشناسی)*، ۱۹(۱)، ص ۶۳-۸۰.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ق). *دائرة المعارف فقه مقارن*. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)، ج ۲.
۲۲. میلر، جان پی (۱۳۸۰). *آموزش و پرورش و روح: به سوی یک برنامه درسی معنوی*. ترجمه نادر قلی قورچیان. تهران: فرانشناختی اندیشه.
۲۳. میلر، جان پی (۱۳۹۵). *نظریه‌های برنامه درسی*. ترجمه محمود مهرمحمدی. تهران: سمت.

۲۴. وزیری، علی؛ زارعی متین، حسن (۱۳۹۰). هوش معنوی و نقش آن در محیط کار با تأکید بر آموزه‌های دینی اسلام. پژوهش‌های تربیتی، ۱(۳)، ص ۶۳-۹۰.
۲۵. وولف، دیوید ام (۱۳۸۶). روانشناسی دین. ترجمه محمد دهقانی. تهران: رشد.
26. Gree, N.A. & Macandrew, J. (1999). Re-empowering the empowered the ultimate challenge?. *Personnel Review*, 28(3), P.258-278.
27. Lawler, E. (1994). **Total quality management & employee involvement: are they compatible.** Academy of Management Executive.
28. Saunders, S.M. (2007). Introduction to the special issue on spirituality and psychotherapy. *Journal of chin psycho*, 63, P. 117-127.
29. Trousdale, A.M. (2004). Black and white fire: the inter play of stories imagination and children's spirituality. *International journal of children's spirituality*, 2, P.177-188.
30. Tisdell, E.J. & Tolliver, D.E. (2006). **Engaging spirituality in the transformative higher education classroom.** New Directions for Adult and Continuing Education.
31. Meehan, C. (2002). Promoting spiritual development in the curriculum. *An international journal of personal, social and emotional development*, 20(1), P.16-24.

استناد به این مقاله

DOI: 10.22034/riet.2021.7999.1007

مشهدی، حمیدرضا؛ محمدزاده بنی طرفی، مهدی؛ محمدزاده، قاسم (۱۴۰۰). بررسی تاثیر معنویت بر توانمندسازی حرفه‌ای معلمان. پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، دوره ۱، شماره ۳، ص ۸۱-۹۶.